

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۰۹/۰۹

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۰/۱۲/۱۳

مصطفی کیانی^۱، مصطفی پورعلی^۲

بازشناسی مکان

مطالعه موردی: میدان شهرداری رشت

چکیده

در آغاز می‌توان پرسش‌هایی از این دست را مطرح ساخت: چرا بازشناسی مکان‌ها ضروری است؟ در این بازشناسی به چه مؤلفه‌هایی می‌بایست پرداخت؟ این مؤلفه‌ها در مکانی مصداقی، چه شناختی را می‌توانند به دست دهند؟ این نوشتار تلاشی دارد برای شناخت «مکان» که بر پایه تحقیق کیفی، از طریق سه مؤلفه کالبدی و کارکردی و معنایی به دست آمده است. در این تحقیق مؤلفه معنایی حاصل رویدادها، خاطره‌ها، افسانه‌ها و روایت‌های ذهنی مشترک است؛ مؤلفه کالبدی همانا برآیند چشم‌انداز طبیعی و مصنوع است؛ و حوزه کارکردی نیز از عملکردها و فعالیت‌های انجام‌شده در مکان نتیجه می‌شود. البته باید بر این نکته تأکید کرد به دلیل تسلط عنصر زمان، عموماً آنچه که به دست می‌آید، فقط به بخشی از هویت پویا و مبهم مکان اشاره می‌کند. به منظور تبیین بیشتر موضوع، شناخت شاخص‌های تعیین‌شده در یکی از عناصر مهم شهری یعنی میدان، با مصداق «میدان شهرداری رشت»، که زندگی جاری شهروندان این شهر - خواسته یا ناخواسته - با آن عجین شده، مورد تحقیق قرار گرفته است. افزون بر آن، آشفتگی‌های کالبدی، نابسامانی‌های کارکردی و اختلالات ایجادشده در مؤلفه معنایی مکان در این میدان شهری تبیین گردیده است. میدان شهرداری رشت میدانی تاریخی است که در عین دارا بودن ظرفیت‌های مناسب معنایی و کالبدی و کارکردی، متأسفانه به دلیل سیاست‌های اعمال‌شده، معمولاً در حد فلکه تسهیل‌کننده ترافیک خودرو عمل می‌کند. کالبد پیرامونی آن نیز بی‌ارتباط با بستر و زمینه‌اش، هر روز نوایی ناموزون‌تر از پیش ساز می‌کند. این میدان، برخلاف معنای دیرین آن، مردمان را از حضور در آن برحذر می‌دارد. این نوشتار در جست‌وجوی یافتن پاسخ برای این سه پرسش است: چرا به بازشناسی مکان نیاز است؟ ۲- در این بازشناسی به چه مؤلفه‌هایی می‌بایست پرداخت؟ ۳- این مؤلفه‌ها در مکانی مصداقی - مانند میدان شهرداری رشت - چه شناختی را به دست می‌دهند؟

کلیدواژه‌ها: بازشناسی مکان، مؤلفه‌های معنایی کالبدی و کارکردی، معماری، میدان شهرداری رشت.

^۱ استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، استان تهران، شهر تهران (نویسنده مسئول)

Email: kiani@art.ac.ir

^۲ دانشجوی دکتری معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، استان تهران، شهر تهران

Email: pourali.mostafa@yahoo.com

مقدمه

هایدگر در نوشتار «سرآغاز کار هنری»، با تردید و تشکیک ورزیدن در نگرش علم‌زده و اثبات‌گرایی انسان معاصر، حقیقت‌پدیداری چون معماری معبد را از ارتباط با مکان‌گرداگرد آن تبیین می‌کند. او می‌گوید که چیزهای پیرامونی معبد، اشیایی نامرتب با آن نیستند بلکه معبد و مکان پیرامون آن در تعامل یا ارتباطی دوسویه پدیدار می‌گردند و رخ می‌نمایند (هایدگر، ۱۳۸۲، ۲۶-۲۹). این ارتباط تأثیرگذار پیش از این کمابیش به گونه‌ای مطرح بوده است؛ اما به عنوان نوعی نگرش، امروزه با تأثیرپذیری از جریان‌های ریشه‌دار و موشکافانه پسامدرن در حوزه معماری و شهرسازی، طرفداران بسیاری یافته است. در واقع بدین ترتیب کوشش بر آن است تا با بازشناسی ویژگی‌های کیفی مکان‌ها، راهی برای رهایی از بی‌هویتی مجموعه‌های زیستی معاصر یافته شود تا به خلق مکان‌هایی هویت‌مند یاری رساند. مؤلفه‌های^۲ معنایی و کالبدی و کارکردی مکان‌ها، در زمره حوزه‌هایی هستند که به نظر می‌رسد بازشناسی کیفی مکان‌ها به واسطه آنها دست‌یافتنی‌تر می‌شود. مکان‌ها از جمله عوامل هویت‌بخش در گستره‌های زیستی انسان‌اند که علاوه بر دارا بودن هویت‌های متمایز، خود سرمنشأ هویت‌بخشی‌های متفاوتی نیز می‌شوند.

با یادآوری اینکه در روش تحقیق این نوشتار، شناخت مکان موردی - یا پژوهش درباره آن - با اتکا بر برداشت از مؤلفه‌های هویتی مکان صورت می‌گیرد، تلاش شده است تا مکان، ضمن بازشناسی در حوزه معماری و شهرسازی و همچنین در سه مؤلفه معنایی و کالبدی و کارکردی، با تکیه بر مصداق موجود و نمونه موردی «میدان شهرداری رشت»، بازشناسی گردد. تأکید بر این موضوع نیز ضروری است که مقوله زمان در این سه حوزه به شکلی ذاتی همواره نقشی تأثیرگذار دارد و به گونه‌ای تفکیک‌ناپذیر با این مؤلفه‌ها عجین شده است.

بازشناسی مکان و محورهای بررسی آن

اندیشیدن در باب «مکان» از دیرباز در حوزه‌های مختلف تمدنی و فرهنگی مورد توجه بوده و از دیدگاه هر یک از این حوزه‌ها قابلیت تفاسیر متفاوت و گاه مشابه داشته است. از آن جمله می‌توان به اینها اشاره کرد: تضاد و تعامل فلسفی «بین و یانگ» در خلق مکان چینی (پیراویلی، ۱۳۸۶، ۵۵)، مفهوم «ما» به مثابه درک ژاپنی از مکان (نیتسکه، ۱۳۷۵، ۹)، مواجهه عمیق عرفای ایرانی همچون عین‌القضات^۳ با مفهوم مکان به مثابه ذاتی وجود موجودات (ابراهیمی دینانی، ۱۳۸۳، ۵۰)؛ و از جنبه‌ای دیگر، نگاهی دکارتی با تقلیل مکان در حد مختصات سه‌وجهی و یا نگرش دنیای مجازی که گسیختگی ناگزیر میان زمان و مکان را موجب شده است.^۴ اینها همه، نمونه‌هایی از تأثیر این مقوله در کارکردهای نظری حوزه‌های مختلف به شمار می‌آیند.

مقوله مکان، امروزه با تأثیرپذیری از جریان‌های ریشه‌ای و موشکافانه و انتقادی چند دهه اخیر در حوزه شناخت مدرن و مدرنیسم، و در سایه روش‌هایی همچون «پدیدارشناسی»^۵ مورد بازشناسی تازه‌ای قرار گرفته، که از جمله تأثیرات آن در عرصه معماری و شهرسازی نیز درخور تأمل و توجه بوده است. عناصر و اجزای شهر مدرن همچون بناها و میدان‌ها و خیابان‌ها به واسطه فردیت‌گرایی حاکم بر هویت پیرامون این عصر، بدون ارتباط با یکدیگر و نیز عوامل محیطی، طراحی و خلق شده‌اند. پیامد این امر همانا شهر بی‌هویت پیرامون ماست که منتقدان آن را بیش از همه ناشی از فراموشی مقوله مکان در فرایند شناخت و طراحی برشمرده‌اند (Shulz, 1987, 100).

از طرف دیگر، مکان‌ها از جمله عوامل هویت‌بخشی هستند که با مؤلفه‌های فیزیکی ایستا،

پدیدآورنده دیگر هویت بخشی‌ها نیز می‌شوند. گستره‌های معنایی هر مکان حاصل رویدادها، خاطره‌ها، افسانه‌ها و روایت‌های ذهنی مشترک و ممیزه‌های کالبدی ایستا، برابند فیزیکی احجام، اشیاء، مصالح و حتی طبیعت و هر آن چیزی است که بستر کالبدی آن مکان را شکل می‌دهد. در این میان حوزه عملکردی مکان‌ها نیز که به کارکردها و فعالیت در آنها می‌پردازد، در کنار دو حوزه دیگر، بخشی از هویت مبهم مکان را می‌شناسانند (رلف، ۱۳۸۹، ۶۴). باید اذعان کرد که تفاوت در شیوه‌های نظری مواجهه با مقوله مکان نتایج متفاوتی را به دنبال داشته و البته با ابهاماتی نیز همراه بوده است.^۶

مؤلفه معنایی مکان

گریایش معاصران به معنا در معماری و شهرسازی، بی‌شک اعراضی است بر آنچه که داعیه‌داران معماری مدرن آن را عملکردگرایی می‌خواندند (شولتز، ۱۳۸۲، ۳۷). شهر مدرن، شهری تهی و بی‌معنا و بی‌هویت بوده است (گروتز، ۱۳۹۰، ۲۳۶). شولتز خاطر نشان می‌کند که محیط پیرامونی در صورتی می‌تواند به محیطی بامعنا مبدل شود که امکاناتی غنی در تعیین هویت ارزانی دارد و پیوندی سرشار از معنا را با جهانی متشکل از اشیاء و چیزهای مختلف برقرار سازد. در این نگاه، معانی پدیداری چون مکان از ارتباط میان آدم‌ها، بناها، زمین، آسمان، زمین‌سار و حریم آن شناخته می‌شود (شولتز، ۱۳۸۱، ۳۱ - ۲۲).

وقتی جهان برای ما از چنین ارتباطی معنا می‌یابد، ما نیز هدف‌مندانه در میان چیزهای جهان قرار می‌گیریم؛ و هر آنچه را که حس می‌کنیم، دیگر صرفاً واقعیاتی مستقل از ما نیستند و عمیقاً به وجود ما وابسته‌اند، و در عین استقلال موجودیت در کنار یکدیگر یکپارچه معنا می‌شود. معانی پیش از ما وجود داشته‌اند و تاریخ و زندگی دارند، اما در تعامل با حیات مکانی و زمانی ما دوباره بازسازی و بازتولید می‌شوند (پریموزیک، ۱۳۸۸، ۴۰-۲۹). معنای مکان‌ها متن‌های تک‌بعدی نیست بلکه و دارای کاراکترهای پیچیده است و از دیالوگی ابدی^۷ بین کیفیت‌های مادی و حضور فعالیت‌های موجود در مکان و در تعامل بین مؤلفه کالبدی و رویدادهای زندگی شکل می‌گیرد (Hay, 2006, 33).

مؤلفه معنایی مکان، بستری کیفی و استعاری است برآمده از خاطرات جمعی و حضور رویدادها و به طور کلی آن دست از ویژگی‌هایی که مکان به واسطه آن دارای معنا شده است. خاطرات جمعی آدمیان از رویدادهای دور و نزدیک، کیفیتی معنادار را می‌آفرینند که در مؤلفه معنایی تفسیر می‌گردند، مؤلفه معنایی کیفیتی هویت‌مند است مبتنی بر حضور خاطرات مردمانی آشنا و ناآشنا، که بر اساس رخ داده‌ها در مکان تعریف می‌شود. مؤلفه معنایی می‌تواند موقعیت را به مکانی مقدس یا رازآلود و یا حتی بی‌ارزش بدل سازد. عناوین مکان‌ها عموماً به این موارد که در شناخت مؤلفه معنایی مکان نقشی یاری‌رسان دارند، اشاره می‌کنند: «نام» است که تمامی محسوسات را به بخشی از جهان تبدیل می‌کند و از آنان ادراکی متضمن معنا به وجود می‌آورد (شولتز، ۱۳۸۱، ۱۷۳). مؤلفه معنایی، پیچیده و مبهم است و شناخت آن ضروری‌ترین بخش در مواجهه با مکان به شمار می‌آید، چرا که تغییرات ناشیانه در این مؤلفه - همچون تغییر عنوان مکان، می‌تواند به تقویت یا تضعیف و یا حتی نابودی آن بینجامد.

مؤلفه کالبدی مکان

هر مکانی جدای از مؤلفه معنایی، دارای کالبدی مصنوع یا طبیعی نیز هست که شناخت مکان بدون آن تحقق نمی‌یابد. مؤلفه کالبدی به امانتداری و یادآوری مؤلفه معنایی و آنچه که در مکان رخ داده

است کمک می‌کند و گاه خود به خلق و آفرینش آن یاری می‌رساند. این نقش مهم حکم می‌کند که مؤلفه مصنوع کالبدی بیش از توجه به فردیت‌گرایی، به نگهداری درون و مرز برون مکان بپردازد. چشم‌انداز دور و نزدیک، منظر طبیعی و مصنوع، بدنه‌ها، پیکره فضایی، نشانه‌ها، عناصر شاخص و غیرشاخص کالبدی، عناصر اصلی کف و بام، خطوط آسمان، آستانه، مسیرها، حدود، مرز و مواردی از این دست بستری را فراهم می‌آورند که شناخت مکان بدون شناسایی آنها به درستی امکان‌پذیر نیست و آنها در واقع به حال و هوا و شخصیت محلی مکان قطعیت می‌بخشد (شولتز، ۱۳۸۱، ۱۷۳).



شکل ۱. کوه صفا - چشم‌انداز طبیعی دور، که نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری مؤلفه کالبدی مکان در میدان نقش جهان اصفهان دارد.

منبع: ویکی‌پدیا

مؤلفه کالبدی با ویژگی‌های تناسباتی و شکلی خود دارای جهت‌گیری خاص هندسی است که تأثیر عمده‌ای هم در شکل‌گیری مؤلفه معنایی و جانمایی کارکردهای شاخص و غیرشاخص مکان دارد. بستر کالبدی همواره ظرفیت‌هایی را در بطن خود دارد که طرح‌های پیشنهادی می‌توانند با دخالت در آن - پیامد آن - خود مکان را نابود یا تقویت و یا متحول کنند. هنر طراحی مستلزم تفسیر نیازهای طرح و ارتباط دادن آن با ظرفیت‌های نهفته در دل بستر طرح است (فن‌مایس، ۱۳۸۶، ۱۴۹ - ۱۴۷). بی‌توجهی و نادیده گرفتن این ظرفیت‌ها در برنامه‌ریزی و به‌ویژه در زمان مداخلات محیطی در مکان می‌تواند به تغییر و تحول جبران‌ناپذیر آن بینجامد.^۸

مؤلفه کارکردی مکان

مکان‌ها ویژگی‌های منحصربه‌فردشان را از حضور کارکردهایی متمایز و فعالیت‌های زیستی مشخص به‌دست می‌آورند و در سایه روشن زندگی روزمره، فعالیت‌ها و عملکردهای رخ نموده احساس می‌شوند (Harvey, 1996, 310). مؤلفه عملکردی مکان‌ها که در پرتو مؤلفه کالبدی امکان وقوع می‌یابد، نقشی تعیین‌کننده در شکل‌دهی به بستر معنایی مکان دارد، با تأکید بر اینکه در بسیاری از مواقع، همین مؤلفه معنایی است که امکان وقوع بسیاری از کارکردها را در مکان فراهم می‌آورد. بسیاری از آیین‌ها و مراسم معنوی در مکان‌هایی با سابقه‌ای از مؤلفه معنایی مقدس روی می‌دهند. شهرها و روستاهای مقدس بسیاری هستند که در پی رخدادهای معنوی در مکانی خاص شکل گرفته‌اند.

تغییرات کارکردی و کاربری و به‌طورکلی فعالیت‌های شکل‌گرفته در مکان، هویت شناخته‌شده آن مکان را دستخوش تغییرات می‌کند. از همین‌رو این اقدامات می‌بایست با مطالعه کیفی دقیق و حساس درباره مؤلفه‌های کالبدی و معنایی مکان‌ها و البته با در نظرگیری گستره زمان صورت پذیرد. برای مثال آشکار است که کارکرد مکانی مقدس با مکان فروشگاه متفاوت است و به راحتی امکان تبدیل کاربری بین این دو کارکرد وجود ندارد.

مؤلفه‌های شناسایی مکان و گستره زمان

مکان‌ها در برهه‌های مختلف زمانی، نقش‌های گوناگونی می‌یابند و با فعالیت‌ها و کاربری‌های متنوع دارای هویتی پویا می‌شوند، این پویایی که به دلیل حضور رویدادهای متغیر در گذر زمان شکل می‌گیرد، تعریف مکان را دشوار - و چه بسا - ناممکن می‌سازد. مستندات، تصاویر، نقل‌قول‌ها، سفرنامه‌ها و نظایر اینها از همین دست‌اند و نمی‌توانند مکان را آن‌گونه که هست درخور ارائه سازند و عموماً آنچه که بیان می‌کنند، فقط به بخشی از هویت پویای مکان اشاره دارد.

مشاهدات تاریخی حاکی از آن‌اند که فرهنگ‌های مختلف در گذشته دارای روش‌های زمان‌بندی و شیوه‌های مکان‌گزینی خاص خود بوده‌اند. هر نوع فرهنگ دارای شاخص‌های فضایی معینی است که آگاهی آن فرهنگ را از مکان شکل می‌داده است. در سکونتگاه‌های پیش از مدرن، زمان و فضا از طریق موقعیت‌پذیری مکان با یکدیگر مرتبط می‌شدند. عصر ساعت‌های مکانیکی و تقویم‌های استاندارد جهانی موجب شد که زمان بدون ارجاع به شاخص‌های مکان تعیین شود، و حتی ارتباط معنادار رویدادهای تاریخی نیز با مکان‌ها قطع گردد (گیدنز، ۱۳۸۸، ۳۵).^۱ این موضوع نقشی مهم در بی‌هویتی مکان‌های عصر مدرن داشته است که تشریح آن خود مستلزم نوشتاری تفصیلی است.

با این حال دیگر باید پذیرفت که مکان بی‌شک چیزی فراتر از محل انتزاعی دکارتی و کلیتی مملو از کیفیت‌های گوناگون است (پرتوی، ۱۳۸۳، ۴۲) که در کنار جغرافیای شباهت‌های بی‌پایان، با شاخصه‌های متنوع و بامعنا دربردارنده تفاسیر فلسفی و روان‌شناختی و نیز اجتماعی و فرهنگی گسترده‌اند و چونان که فراهم‌شده از کیفیت‌های بصری گوناگون، شیوه‌ای از هستی را مشخص می‌سازند که بر هر گوشه و کناری قابلیت ربط دادن و تسری دارند و تن به تأویل‌های بی‌شمار می‌سپارد (شولتز، ۱۳۸۱، ۲۴۱). در این نوشتار تلاش شده است که تحقیق کیفی^۱ مکان در موضوع معماری یا شهرسازی در سه مؤلفه معنایی و کالبدی و عملکردی مورد کنکاش قرار گیرد؛ البته با تأکید بر این نکته که عنصر زمان نیز در این سه مؤلفه به شکلی ذاتی همواره نقشی تأثیرگذار داشته است و دارد، و به گونه‌ای تفکیک‌ناپذیر با این بسترها عجین است.^{۱۱} اکنون به منظور بررسی مصداقی این نوشتار، کوشش می‌گردد که شناخت شاخص‌های اشاره‌شده، در یکی از عناصر مهم شهری، یعنی میدان - که زندگی جاری شهروندان، خواسته یا ناخواسته با حضور آن درآمیخته است - واکاوی و بررسی گردد. سپس به بازشناسی مؤلفه معنایی و کالبدی و عملکردی مکان، یکی از نمونه‌های میدان‌های شهری واقع در شمال ایران، موسوم به میدان شهرداری رشت پرداخته می‌شود.

مواجهه با میدان به مثابه مکان

امروزه میدان به فلکه‌ای برای تسهیل در رفت‌وآمد خودروها بدل شده است؛ بدون کالبدی نگاه‌دارنده، و گاه محصور در بدنه‌ای که بی‌ارتباط با بستر و زمینه، هر روز نوایی ناموزون‌تر از دیروز ساز می‌کند. میدان‌های شهری،^{۱۲} برخلاف معنای دیرین‌شان، مردمان را از دعوت به حضور باز می‌دارند. این در حالی است که با یادآوری خاطره‌های جمعی می‌توان گفت که میدان، پیش‌تر مکانی عجین با مفهوم حضور بوده است؛ حضور معنادار مردمانی آشنا و غریبه با خاطره‌های‌شان از رویدادهای نوبه‌نو، که در پناه کالبدی پیرامونی، توأمان مکان میدان را می‌آفریده است (پورعلی، ۱۳۸۷، ۶۵). میدان‌های شهرها دربردارنده مواجهه‌های متفاوتی از حضور در یک فضای واحد هستند؛ یا به عبارتی مواجهه‌های متنوع ناشی از حضور در مکانی واحد (کالن، ۱۳۷۷، ۴۵).

شناسایی مؤلفه‌های کالبدی و کارکردی و معنایی مکان میدان، با پژوهش کیفی عناصر و اجزا و ارتباطات موجود بین درون و برون میدان صورت می‌پذیرد: بازشناسی زندگی جاری، خاطره‌های جمعی و رویدادهایی که گاه نام میدان با توجه و در نظر گرفتن آنها، نهاده شده است. در تحقیق کیفی مکان میدان، ارتباط معنایی کالبد میدان با کارکرد درون و کاربری‌های برون و همچنین توده بناهایی که در کنار یکدیگر بدنه میدان را آفریده‌اند، ارتباط کارکردی و عملکردی کالبد و فضای حاضر میدان با وابستگی‌های مکانی دور و نزدیک، مسیرها، امتدادها، ورودی‌ها، آستانه‌ها، خروجی‌ها، مرزها، چشم‌انداز عناصر شاخص میدان همچون برج و ناقوس یا مناره، و ارتباط این عناصر با دیگر اجزا و مواردی از این دست که گاه تن به تاویل نیز می‌سپارند، مورد تأکید قرار می‌گیرد (پورعلی، ۱۳۹۰، ۱۰).

با این رویکرد دیگر برج یا گنبد تنها فرم‌های منتزعه یا مدور یا عمودی نیستند بلکه عناصری هستند که به یکی از شیوه‌های هستی بین زمین و آسمان تجسم می‌بخشند. برج یا گنبد می‌توانند محیط را به خاطره‌ها بازگردانند و در قالب واسطه‌ای بین زمین و آسمان یا برون و درون عمل کنند (شولتز، ۱۳۸۱، ۵۶، ۱۹۹). عناصر شاخصی همچون سردر، برج ساعت، گنبد و مناره مسجد مجاور میدان و نظایر اینها بدون در نظر گرفتن ویژگی‌های سبک‌شناختی دوره طراحی و ساخت‌شان، نقشی ویژه در شکل‌گیری هویت کالبدی و کارکردی و معنایی مکان میدان برعهده دارند.

بازشناسی مکان در میدان شهرداری رشت

شکل و ساختار میدان در فضاهای شهری ایران در طول دوره‌های تاریخی با تغییر و تحول‌های جدی مواجه شده است. این تغییر و تحول‌ها متناسب با ماهیت عملکردی و کارکردی و یا بسته به شرایط مکانی و زمانی‌شان متفاوت‌اند و مشخص می‌سازند که در گذشته میدان عمدتاً هویتی انسان‌محور داشته و با هرچه نزدیک‌تر شدن به دوره معاصر، عملکرد و یا شکل‌پذیری آن با تأثیرپذیری از دیگر نیازها و خواسته‌ها تغییر کرده است. با مروری کوتاه، می‌توان این تحولات را به سه بخش تقسیم کرد:

یکم- میدان شهری مکانی بوده است که بر اساس استقرار چند بنای مهم شکل گرفته و دیگر بناهای کوچک‌تر و کم‌اهمیت‌تر آن هماهنگی کامل با بسترهای شکل‌گیری بناهای مهم آن داشته‌اند. این میدان‌ها دارای طرحی منظم و کالبد هندسی و فضایی معنادار بوده‌اند و اصول تناسب و توازن در آنها کاملاً رعایت می‌شده است. به‌رغم حضور بناهای شاخص در بستر کالبدی این میدان‌ها، آنچه که در واقع پدیدار شده خود میدان است. در این گونه میدان‌ها، بناهای اصلی و میدان رابطه متقابل داشته‌اند و هر یک از آنها در بیان دیداری و جلوه تصویری‌اش به دیگری وابسته بوده است. میدان نقش جهان اصفهان نمونه عالی چنین مکانی است.

دوم- میدان شهری به مثابه مکانی که در میانه خیابان یا مسیری اصلی شکل گرفته است. این پدیده در ایران عمدتاً به اوایل دوره معاصر باز می‌گردد؛ یعنی زمانی که خیابان به شکل بارز و محسوس، نقشی تعیین‌کننده را در فضای شهری و محیط رفت و آمد برعهده می‌گیرد. در این نوع میدان‌ها، هویت کالبدی از خیابان تأثیر پذیرفت، به‌گونه‌ای که این نیمه میدان به تعبیری، شکل فضایی عقب‌نشینی کرده از خیابان را تداعی کرد. اگرچه شکل انسان‌محوری این میدان‌ها دیگر همچون گذشته نبود، ولی در همان فضای نیمه‌میدانی، انسان همچنان نقش و حضور اصلی را داشت. سبزه میدان تهران را می‌توان از جمله این نمونه‌ها برشمرد.

سوم- میدان معاصر به مثابه فلکه‌ای برای تسهیل آمدوشد خودروهاست، که اگرچه گاه ساختمان‌های مهم دولتی و یا عمومی در حوالی و یا چهار طرف آن بنا شده‌اند، اما نقش عبوری خیابان‌ها در شکل‌گیری آن بیشترین اهمیت را داشته است. در اینجا حضور انسان کم‌رنگ شده و وجود اتومبیل نقشی عمده و محوری یافته است. در زمان حاضر نمونه این میدان‌ها یا فلکه‌ها را می‌توان در تمامی شهرها مشاهده کرد.

میدان شهرداری رشت راه، که در بخش مرکزی این شهر واقع است، امروزه عملاً باید در زمره میدان‌های نوع سوم یا همان فلکه‌ها برشمرد که ضمن دارا بودن ظرفیت‌های مناسب معنایی و کالبدی و کارکردی، متأسفانه صرفاً در حد فلکه تسهیل‌کننده ترافیک خودرو عمل می‌کنند، که گاه حال و هوای گونه دوم - و به‌ندرت نیز کیفیات مکانی گونه یکم - را پیدا می‌کنند. این در حالی است که میدان مذکور در گذشته نه چندان دور، دست کم در دوره ناصری، میدانی با کیفیت مکانی نزدیک به میدان نوع یکم بوده است. این میدان در دوره پهلوی اول با استقرار چند بنای شاخص اداری و تجاری همچون بلدییه و پست‌خانه و نیز چند مهمان‌خانه بر جای بناهای قاجاری، شکلی نزدیک به شرایط فعلی را یافت. می‌توان این دوره از تغییرات را تحول و تبدیل شدن آن به گونه دوم قلمداد کرد. تحولات ایجادشده اخیر نیز عملاً میدان را به گونه سوم نزدیک ساخته‌اند. بازشناسی میدان شهرداری رشت در این نوشتار از دریچه بستر معنایی و کارکردی و کالبدی مکان، از آن دست است که تلاش می‌گردد تا با تعلیق پیش‌فرض‌های اثبات‌گرایانه و زیبایی‌شناسانه به پژوهش درباره کیفیت مکانی حاضر آن پرداخته شود. بدیهی است که این موضوعات در جایگاه خود دارای اهمیت‌اند و در همان مقام به بررسی و تحلیل نیاز دارند.^{۱۳}



شکل ۲. میدان شهرداری، عمارت پست‌خانه، و مهمان‌خانه ایران‌نگار

منبع: <http://fa.rashtcouncil.ir>



شکل ۳. حضور در مکان: تجمع دانش‌آموزان در میدان

منبع: <http://fa.rashtcouncil.ir>

مؤلفه معنایی در میدان شهرداری رشت

میدان شهرداری رشت امروزه نماد و هسته مرکزی شهر رشت یا مرکز استان گیلان به شمار می‌آید؛ و چه بسا بتوان گفت که این میدان در وهله نخست معنای وجودی‌اش را از این مرکزیت و استقرار و حضور در مرکز شهر به دست می‌آورد. نوع ساختار ترافیکی شهر در دوره معاصر و همچنین تجمع رویدادهای مهم اجتماعی مانند تظاهرات و راهپیمایی‌ها در این مکان نشان از اهمیت مرکزی آن دارد.

در نقشه دارالمرز رشت که در دوره ناصری ترسیم گردیده، از این میدان با عنوان میدان درب‌خانه دیوانی نام برده شده است و در محدوده آن می‌توان عمارت درب‌خانه، تکیه دولت، نقاره‌خانه و قبرستان ابوجعفر را تشخیص داد.^{۱۴} میدان امروزی که سابقه‌ای در حدود دوره پهلوی اول دارد، در گذشته ضمن دارا بودن معنا و مفهوم حکومت‌مداری، معنای مذهبی نیز داشته است. در وجه غربی این میدان گورستان قدیمی شهر و مزار استاد ابوجعفر - که بنا بر اقوال تاریخی، بسیاری از گیلانیان به واسطه دعوت او به اسلام گرویده‌اند - استقرار داشته است (سرتیپ پور، ۱۳۷۰، ۱۸). در سفرنامه رابینو^{۱۵} درج گردیده است که مهم‌ترین بقعه رشت، امام‌زاده آقا سید ابوجعفر نام دارد که نزدیک مقر حکومتی در محوطه‌ای گورستانی واقع است (رابینو، ۱۳۷۴، ۸۲-۸۴).^{۱۶}



شکل ۴. بخشی از نقشه دارالمرز رشت - دوره ناصری، محدوده میدان شهرداری رشت.

در این تصویر قبرستان ابوجعفر در غرب، تکیه دولت و نقاره‌خانه در جنوب، و عمارت درب‌خانه در شمال مشاهده می‌شود.

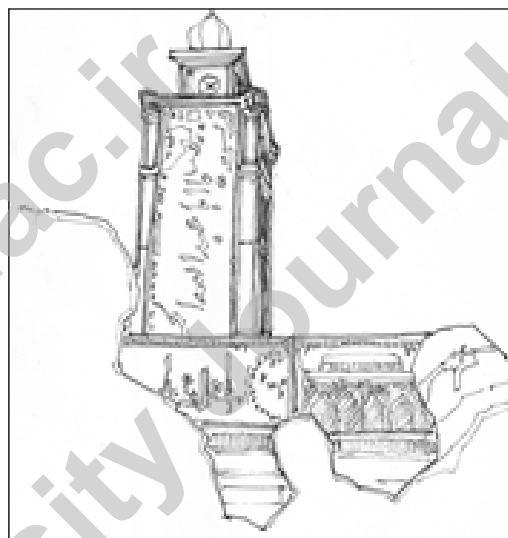
منبع: مجله اثر، ش. ۳۳ - ۳۴

در آغاز دوره پهلوی اول این میدان دستخوش تغییرات کالبدی گسترده‌ای شد و به ویژه گورستان و بقعه قدیمی به واسطه احداث بنای بلدیة تخریب گردید و مزار ابوجعفر در محدوده حیاط داخلی ساختمان نوساز شهرداری قرار گرفت. تغییرات کالبدی مذکور مؤلفه معنایی میدان را که جنبه توأمان مذهبی و حکومتی داشته است، صرفاً به جنبه حکومتی و تجاری و تفریحی معطوف کرده و از این رو بسیاری از مردم امروز رشت از این سابقه معنایی و مذهبی بی‌اطلاع‌اند. نظرسنجی انجام‌شده در پاییز ۱۳۸۹ از جامعه آماری ۱۰۰ نفره حاضر در میدان با مشخصه افراد بالای ۲۰ سال، نشان داد که بیش از ۷۸ درصد از پرسش‌شوندگان از این سابقه تاریخی و معنوی بی‌اطلاع‌اند. مؤلفه معنایی میدان شهرداری با گذر زمان بازتولید شده است و هنوز هم یادآور خاطره‌ها و رویدادهای میدان است که همیشه نقشی مهم در هویت‌بخشی به مکان دارند. البته ناگفته نماند که به هر حال سیاست‌های اعمال‌شده اخیر در این میدان، عملاً بازخوانی معنایی پیشین را دچار معضل ساخته‌اند.

برپایی هرساله مراسم عزاداری امام حسین(ع) در دهه آغازین ماه محرم در جلوخان بنای شهرداری در کنار برگزاری برنامه‌های دیگری چون نواختن موسیقی صبحگاهی در پای تندیس، صدای زنگ ساعت برج که در طول شبانه‌روز گذر زمان را به یاد می‌آورد، و نیز برگزاری برخی از فعالیت‌ها، آیین‌ها، جشن‌ها، یادبودها، بزرگداشت‌ها و رویدادهایی پراکنده از این دست، که آشنایان و ناآشنایان در آن حضور می‌یابند، همه و همه تاکنون بستر معنایی مکان را آفریده‌اند و زین پس هم خواهند آفرید. قرارگیری تندیس میرزا کوچک خان جنگلی، که نزدیک به صد سال است مردم این دیار هویت خود را در هم تنیده با دلاورمردی‌های او برمی‌شمارند، در جانب بالای میدان ضمن یادآوری خاطره او، در شکل‌دهی به بستر معنایی میدان نیز یاری می‌رساند.



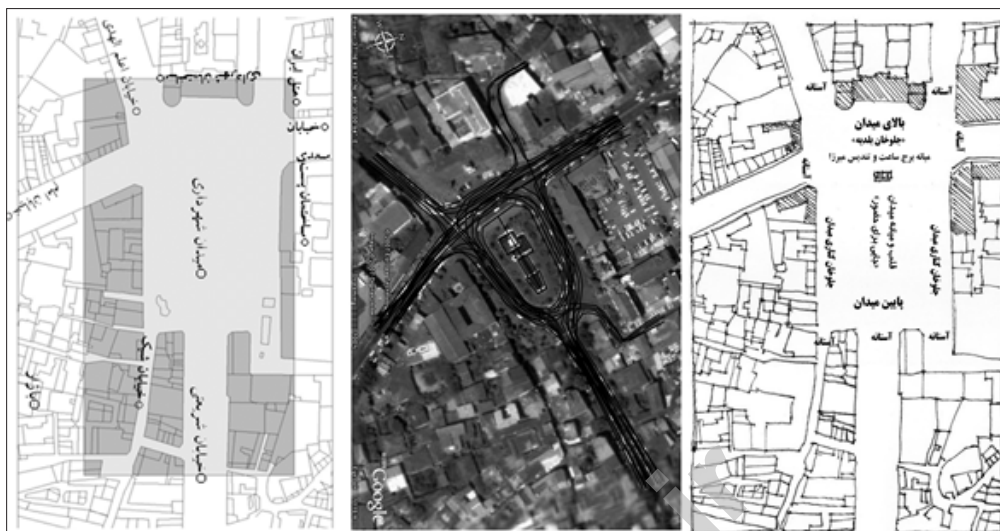
شکل ۶. حضور در میدان - یکی از مراسم‌های آیینی
منبع: نگارندگان



شکل ۵. حضور در میدان، در ظهر روز دهم ماه محرم
منبع: نگارندگان

با وجود این، گستردگی تغییرات صورت‌گرفته و نوع سیاست‌های اعمال‌شده اخیر - به‌ویژه از دوره پهلوی دوم به این سو - سبب گردیده است که از میدان امروزی، چیزی جز آمدوشد خودروها در ذهن مخاطبان میدان نماند. نظرسنجی صورت‌گرفته در این زمینه حاکی از آن است که ۵۱/۲ درصد از پرسش‌شوندگان، در پاسخ به پرسش که «چه خاطره‌ای از این میدان به یاد می‌آورید؟»، به ترافیک خودروها، شلوغی و ازدحام درون میدان اشاره کرده‌اند. آمدوشد بی‌برنامه خودروها و حجم گسترده فلکه آب نما در میانه میدان نه تنها امکان حضور شهروندان را در قلب میدان نفی کرده است، بلکه هیچ تناسبی هم با معنای پیشین میدان - که جایی برای حضور و دیدار شهروندان بوده است - ندارد.

این گونه مداخله‌ها که بدون شناخت کیفی مکان صورت می‌پذیرد، به امکانات کارکردی مناسب مکان خلل وارد می‌سازد و در واقع بستر معنایی مکان میدان را خدشه‌دار می‌کند. چنین اقداماتی می‌توانند به مرگ خاطره‌های مکان - و البته خود مکان - بینجامند.



شکل ۷. حضور عواملی همچون آب نما و ترافیک خودروها مانع حضور شهروندان در درون میدان می‌شود.

مؤلفه کارکردی در میدان شهرداری رشت

مؤلفه کارکردی و مؤلفه معنایی مکان در میدان شهرداری رشت بسیار با یکدیگر درآمیخته‌اند، این میدان به واسطه حضور بنای بلدییه واقع در محور اصلی آن، نزد اهل شهر و هر کسی که از آن گذر کرده، هویت و نام و معنا گرفته است. حضور پایدار بنای شهرداری که با برج ساعتش تسلط خود را دوچندان می‌نمایند کارکرد اصلی این میدان را مشخص می‌سازد و به تبع آن بخشی از مؤلفه معنایی میدان را شکل می‌دهد. این حضور پایدار سبب شده است که عموم مردم شهر رشت به‌رغم نصب تابلویی با نامی جُز «میدان شهرداری»، همچنان این میدان را میدان شهرداری بنامند. مطابق با نظرسنجی به عمل آمده ۸۹/۷ درصد از پرسش‌شوندگان، این میدان را «میدان شهرداری» نامیده‌اند. این موضوع اهمیت کارکرد و کاربری بنای شهرداری را در معنابخشی به مکان میدان نشان می‌دهد.^{۱۷}

وقتی هویت مکان به واسطه مواجهه مشترک مخاطبان با نشانه‌ها ایجاد می‌شود حضور نمادها نیز دوام خواهد داشت. لذا تغییر در کارکرد نمادها و بسترهای عملکردی مکان‌ها می‌تواند به تنزل و تضعیف بستر معنایی آن مکان بینجامد. هویت میدان شهرداری رشت با کاربری بنای شهرداری درآمیخته است و حذف این کاربری از میدان عملاً ماهیت آن را مخدوش می‌سازد. این کاری است که متأسفانه با برنامه‌ریزی اثبات‌گرا به منظور کاهش ترافیک خودرو در میدان شهرداری رشت دنبال شده است.

مؤلفه کالبدی در میدان شهرداری رشت

میدان شهرداری رشت مستطیل‌شکل است و بر حسب پیکره ذاتی اشکال مستطیلی بر راستای محور طولی آن تأکید ویژه‌ای شده است، استقرار بنای شهرداری در همین محور و همچنین امتداد

فضایی مسیر موسوم به خیابان شریعتی در پایین میدان به سوی برج ساعت بنا، نامیدن محل استقرار بنای شهرداری را «بالای میدان» توجیه می‌کند. زوکر در تقسیم‌بندی‌اش میدان‌هایی از این قبیل را میدان‌های دارای جهت‌گیری خاص برمی‌شمارد که کلیه عناصر کالبدی و فضایی‌شان رو به سوی عنصر مسلط میدان دارند (Zucker, 1959, 200).



شکل ۸. بالا و پایین میدان
منبع: نگارندگان

پیکره کالبدی میدان شهرداری رشت در طول زمان از تک‌بناهایی شکل گرفته است که به غیر از بخش بالایی، بخش‌های دیگر هماهنگی کالبدی و بصری نسبتاً ضعیفی دارند. بنای شهرداری در بخش بالایی میدان در کنار دو بنای پیرامونی - موسوم به عمارت پست‌خانه و مهمان‌خانه ایران تک‌بناهایی هستند که از منظر رنگ، مصالح، جزئیات، بازشوها، تعریف ورودی و طرح بام، با یکدیگر هماهنگ‌اند و می‌توان گفت که هر سه به‌رغم تفاوت‌های ظاهری‌شان از یک جنس و یک گونه‌اند. نوع معماری کلاسیک این بناها، به‌رغم غیربومی بودن‌شان، به گونه‌ای است که می‌توان به نقل از شولتز در خصوص این نوع بناها اذعان کرد که اینها نه تنها خصیصه‌های مقدماتی طبیعی و انسانی را باز می‌نمایانند بلکه این ویژگی‌ها را در پیوندی سرشار از معنا نیز وارد می‌سازند (شولتز، ۱۳۸۱، ۱۸۹). نشانه‌ها و عناصر خطی عمودی در نمای معماری در کنار کشیدگی افقی بناها، ضمن ایجاد حس ابهت و شکوه به‌دلیل استفاده از نشانه‌های تاریخی، دوام و بقا و استمرار پایدار را القا می‌کنند، [زیرا] به گونه‌ای سنگین و حجیم بر زمین نشست‌اند (کیانی، ۱۳۸۶، ۲۳۹).



شکل ۹. بخش بالایی میدان
منبع: نگارندگان

درگاه و آستانه ورودی هر سه بنای بالای میدان، به واسطه رفعت و پیشامدگی و ایوان بالای سردر، شخصیتی یافته‌اند که مرز درون و برون را در بنا به خوبی نمایان می‌سازد. کنج‌ها نیز به نوعی در هر سه بنا با تغییر شکل، لبه و مرز بصری معماری بنا را متمایز ساخته‌اند. نوع مصالح، رنگ و طرح بازشوها، طرح بام شیب‌دار، جزئیات و بافت معماری نما و نظایر اینها، پیکره‌ای نسبتاً وحدت‌یافته را در بخش بالایی میدان شکل داده‌اند. برج ساعت در بخش مذکور، با آن چشم‌انداز فراخواننده‌اش، در پرسپکتیو تمامی مسیرهای منتهی به میدان - جز در خیابان علم‌الهدی - عابران و به طور کلی افرادی را که در این مسیرها حضور دارند به درون میدان دعوت می‌کند. با این رویکرد تمامی مسیرهای منتهی به میدان در واقع نقش معابری را دارند که به میدان به مثابه نوعی توقفگاه وارد می‌شوند.



شکل ۱۰. عناصر شاخص کالبدی میدان: برج‌های ورودی پست‌خانه و هتل ایران - در این طرح ارائه شده، تندیس میرزا کوچک نیز مشاهده می‌شود.

منبع: نگارندگان

در بقیه وجوه یا بخش‌های شکل‌دهنده کالبد میدان، که عموماً در سه - چهار دهه اخیر ایجاد شده‌اند، هیچ گونه ارتباط معناداری بین مؤلفه‌های کالبدی و معنایی و کارکردی مکان میدان به چشم نمی‌خورد. طراحی فردگرایانه این توده‌ها، نه درگاه و آستانه‌ای را شکل می‌دهند و نه مرز وحدی را برای درون و برون تعیین می‌کنند. توده‌های ایجادشده، چنین نبوده که برای نگاه‌داری چیزهای درون میدان طراحی گردند بلکه به واقع بی‌ارتباط با مکان به وجود آمده‌اند.



شکل ۱۱. نابسامانی بخش جنوبی میدان

منبع: نگارندگان

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هر مکان بی‌شک چیزی است فراتر از محل انتزاعی دکارتی؛ و هویتی مبهم و پیچیده دارد که در گسترده‌های مختلف زمانی، نقش‌های متفاوت و متنوعی به خود می‌گیرد و با فعالیت‌ها و کاربری‌های گونه‌گون، هویتی پویا می‌یابد. مکان‌ها جزو عوامل هویت‌نگار در پهنه محیط‌های زندگی انسان‌ها هستند، و چه بسا بتوان با مؤلفه‌های کالبدی و کارکردی و معنایی به بازشناسی با کیفیت‌تری از آن دست یافت. مؤلفه معنایی مکان حاصل رخدادها، یادگارها، خاطره‌ها و روایت‌های ذهنی مشترک است؛ ویژگی‌های کالبدی، برآیند فیزیکی چشم‌انداز طبیعی و مصنوعی‌اند؛ و حوزه عملکردی نیز از کارکردها و فعالیت‌های رخ داده در مکان نتیجه می‌شود.

در این نوشتار تلاش شده است تا با رویکرد پژوهشی کیفی به بازشناسی «مکان» با مصداق «میدان» به مثابه مکان مهم شهری بپردازد؛ و سپس مؤلفه‌های معنایی و کالبدی و عملکردی یکی از نمونه‌های میدان شهری واقع در شمال ایران موسوم به میدان شهرداری رشت، بازشناسی شود. نتایج پژوهش در خصوص این میدان را می‌توان چنین برشمرد:

- میدان شهرداری رشت که نماد مرکزی این شهر به شمار می‌آید، در گذشته دارای معنایی مذهبی بوده که به سبب احداث بنا و میدان دگرگون گردیده است. امروزه معنای جدید شکل‌گرفته، به دلیل آمدن برنامه خودروها نه تنها امکان حضور شهروندان را در قلب میدان نفی کرده، بلکه عملاً معنای ذاتی میدان را نیز که جایی برای حضور و دیدار شهروندان است دچار خلل ساخته است.
- قرارگیری تندیس میرزا کوچک، برپایی هر ساله مراسم عزاداری امام حسین (ع)، برنامه‌هایی همچون نواختن موسیقی صبحگاهی، صدای ساعت برج، برگزاری پراکنده فعالیت‌ها و رویدادهایی از این دست که آشنایان و ناآشنایان در آن حضور دارند، همه و همه ظرفیت‌هایی هستند برای تقویت بستر معنایی امروز مکان میدان که تاکنون تولید شده‌اند (و می‌بایست بازتولید نیز بشوند).
- مؤلفه‌های کارکردی و معنایی مکان در میدان شهرداری رشت، با هم بسیار عجین شده و به واسطه حضور بنای بلدی شکل گرفته‌اند. هویت میدان شهرداری رشت چنان با کاربری بنای شهرداری درآمیخته است که حذف این کاربری از میدان، عملاً ماهیت میدان را خدشه‌دار می‌سازد. متأسفانه برنامه‌ریزی اثبات‌گرا به منظور کاهش ترافیک خودرو در این میدان، به چنین کاری دامن زده و آن را دنبال کرده است.
- میدان شهرداری رشت مستطیل‌شکل است و به واسطه استقرار بنای شهرداری در محور طولی این مستطیل، مشخصاً تأکید ویژه‌ای بر این بنا شده است. پیکره کالبدی این میدان در طول زمان از تک‌بناهایی شکل‌گرفته است که بخش‌های مختلف میدان - جز بخش بالایی - هماهنگی کالبدی و بصری نسبتاً ضعیفی دارند. طراحی فردگرایانه این توده‌ها نه درگاه و آستانه‌ای را شکل می‌دهد و نه مرز و حدی را برای درون و برون تعیین می‌کند.
- هرگونه برنامه‌ریزی کالبدی که بدون شناخت کیفی مکان صورت پذیرد، امکانات کارکردی مناسب مکان و بستر معنایی آن را خدشه‌دار می‌سازد و می‌تواند به نفی حضور شهروندان در درون میدان، و حتی به مرگ خاطره‌های مکان - و البته خود مکان نیز - بینجامد.

پی‌نوشت‌ها

۱. همچنین ن.ک: هایدگر، ۱۳۸۵، ۷۵ - ۷۲.
۲. مؤلفه را چه بسا بتوان بستر و یا حوزه نیز نامید. محمد منصور فلامکی، به جای واژه «مؤلفه» از واژه «شاخه» استفاده کرده است.
۳. عارف شهیر ایرانی در قرن ششم هجری قمری، که رساله‌ای در این خصوص با عنوان «امکنه و ازمنه» دارد.
۴. دنیای رایانه‌ای با خلق مکان‌ها و فضاهای مجازی عملاً تصور سنتی از فهم مکان - زمانی عالم را متحول ساخته است.
۵. Phenomenology
۶. در رساله «ازمنه و امکنه» عین‌القضات (۱۵، ۱۳۳۹) چنین آمده است: در میان آسمان و زمین هیچ سرّی عزیزتر و بزرگوارتر از سرّ مکان و زمان نیست.
۷. Perpetual Dialogue
۸. نمونه موردی چنین تصمیمی در مداخلات کالبدی میدان توپخانه (امام خمینی) تهران نیز مشاهده می‌شود. تغییرات کالبدی رخ داده در این میدان، در تضعیف ویژگی‌های کیفی مکان بسیار نقش داشته است.
۹. نمونه مصداقی این موضوع را امروزه مشخصاً می‌توان در تعیین آغاز ماه شوال قمری مشاهده کرد، در گذشته این زمان به راحتی بر اساس مشاهده عنصری طبیعی از ویژگی‌های مکان یعنی هلال ماه تعیین می‌شد، و پذیرفتنی بود که در دو مکان مجاور، این رویداد، هم‌زمان رخ ندهد. درحالی‌که عادت ما به زمان مکانیکی مدرن، با رد این نحوه زمان‌یابی، توقع ساعت و دقیقه و ثانیه‌ای از پیش تعیین شده را برای آغاز ماه شوال در یک جغرافیای مکانی گسترده همچون جهان اسلام دارد.
۱۰. برای آشنایی با این نوع روش تحقیق، ن.ک. گروت و دیگران (۱۷۳، ۱۳۸۶).
۱۱. همان گونه که اشاره شد، این سه مؤلفه هویت‌ساز مکان را جایگاه فیزیکی ایستا فعالیت و معانی نیز برشمرده‌اند (رلف، ۱۳۸۹، ۶۲).
۱۲. میدان شهری (Town Square) را می‌توان در تعریف، فضایی عمومی و باز دانست که به‌طور معمول در قلب شهرهای سنتی و قدیمی وجود داشته و هدف از آن گردهمایی مردم بوده است. دیگر نام‌های آن عبارت‌اند از: مرکز شهری (Civic Center)، میدان شهر (City Square)، میدان خرید (Market Square)، میدان عمومی (Public Square) و همچنین: platz (آلمانی)، Plaza (اسپانیایی)، Piazza (ایتالیایی)، Place (فرانسوی) و میدان (فارسی و عربی).
۱۳. برای مثال، موضوعات ترافیکی و مواردی از این دست در جای خود دارای اهمیت‌اند، ولی در حوزه این نوشتار نمی‌گنجد.
۱۴. برای اطلاع بیشتر، ن.ک. نقشه رشت - دوره ناصری، رضا فراستی، فصلنامه اثر، شماره ۳۴-۳۳.
۱۵. ه.ل. رابینو، نایب کنسول انگلیس در رشت، در دوره مشروطیت بوده است.
۱۶. رابینو به کتیبه‌ای در دوره شاه عباس اول نیز اشاره می‌کند که بر روی آن نوشته شده است: این مقبره متعلق به سید ابوجعفر، پسرخاله پیغمبر(ص) و برادر رضاعی امام حسن بن علی(ع) است. لازم به ذکر است که شهر رشت در گذشته دارای محله‌هایی چون خمیران، کیاب، چمارسرا و استادسرا بوده است که نام محله استادسرا منتسب به نام همین شخص است.
۱۷. تابلوی نصب شده با عنوان میدان شهدای سر پل زهاب، حکایت از خاطره اعزام کاروانی از رزمندگان گیلانی به جبهه‌های جنوب در منطقه سرپل زهاب دارد و یادبود شهدای گرانقدر این رزمندگان است. این خاطره هرچند به پایداری حضور خاطره‌انگیز بنای شهرداری نیست اما توانسته است عنوانی فرعی را برای میدان شکل دهد.

منابع

- ابراهیمی دینانی، غلامحسین (۱۳۸۳) *دفتر عقل و آیت عشق*، ج ۲. طرح نو، تهران.
- پرتوی، پروین (۱۳۸۲) «مکان و بی مکانی، رویکردی پدیدارشناسانه» نشریه علمی و پژوهشی هنرهای زیبا، شماره ۱۴، تابستان.
- پورعلی، مصطفی (۱۳۸۷) *مکان و حضور*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی دکتر مصطفی کیانی، دانشگاه هنر، تهران.
- پورعلی، مصطفی (۱۳۹۰) «درباره پدیدارشناسی در معماری» نشریه علمی و پژوهشی صفا، ش ۵۲، پاییز.
- پیر اوزلی، مایکل، سراستیون و هنری استرلین معماری چین، ترجمه: مرتضی هادی جابری مقدم، چ ۱، فرهنگستان هنر، تهران.
- پریموزیک، دنیل تامس، مرلوپونتی (۱۳۸۸) *فلسفه و معنا*، ترجمه: محمدرضا ابوالقاسمی، چ ۱، نشر مرکز، تهران.
- رایینو، ه. ل (۱۳۷۴) *ولایات دارلمرز ایران*، گیلان، ترجمه: جعفر خمایی زاده، چ ۴، انتشارات طاعتی، رشت.
- رلف، ادوارد (۱۳۸۹) *مکان و بی‌مکانی*، ترجمه: محمدرضا نقصان محمدی و دیگران، چ ۱، انتشارات آرمانشهر، تهران.
- سرتیپ‌پور، جهان‌گیر (۱۳۷۰) *نام‌ها و نامداران گیلانی*، نشر گیلکان، رشت.
- فن مایس، پی‌یر (۱۳۸۶) *عناصر معماری از صورت تا مکان*، ترجمه: فرزین فردانش، چ ۲، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- عین‌القضات همدانی، عبدالله المیانجی (۱۳۳۹) *غایت‌الامکان فی درایه‌المکان / رساله الامکنه و الازمنه*، به کوشش رحیم فرمش، تهران.
- کالن، گوردن (۱۳۷۷) *گزیده منظر شهری*، ترجمه: منوچهر طبیبیان، دانشگاه تهران، تهران.
- گروت، لیندا (۱۳۸۶) *دیوید وانگ*، ترجمه: علیرضا عینی‌فر، چ ۲، دانشگاه تهران، تهران.
- گونتر نیتشکه (۱۳۷۵) *درک ژاپنی از مکان*، معماری قدیم و جدید ژاپن، چ ۱، آرین مهر، تهران.
- کیانی، مصطفی (۱۳۸۶) *معماری دوره پهلوی اول*، چ ۲، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، تهران.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸) *پیامدهای مدرنیته*، ترجمه: محسن ثلاثی، چ ۵، نشر مرکز، تهران.
- گروت، یورگ (۱۳۹۰) *زیبایی‌شناسی در معماری*، ترجمه: جهان‌شاه پاکزاد و عبدالرضا همایون، چ ۶، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- نوربرگ شولتز، کریستین (۱۳۸۱) *مفهوم سکونت*، ترجمه: محمود امیر یار احمدی، نشر آگه، تهران.
- نوربرگ شولتز، کریستین (۱۳۸۱) *معماری: حضور، زبان و مکان*، ترجمه: علیرضا سید احمدیان، معمار نشر، تهران.
- نوربرگ شولتز، کریستین (۱۳۸۲) *معماری، معنا، مکان*، ترجمه: ویدا نوروز برازجانی، نشر جان جهان، تهران.
- هایدگر، مارتین (۱۳۸۲) *سرآغاز کار هنری*، ترجمه: پرویز ضیاء شهابی، نشر هرمس، تهران.
- هایدگر، مارتین (۱۳۸۵) «ساختن باشیدن اندیشیدن» از مجموعه: *هرمنوتیک مدرن* (گزینه جستارها، نیچه، هایدگر، ...)، ترجمه: بابک احمدی و دیگران، نشر مرکز، تهران.
- Hay, Pete (2002) "A Phenomenology of Islands", Australia, Tasmania: Island Studies Journal, Vol. 1.
- Harvey, David (1996) *Justice, Nature and the Geography of Difference*, Malden MA Blackwell.
- Norberg - Shulz, C (1987) *Roots of Modern Architecture*, Tokyo.
- Zuker. Poul, (1959) *Town and Square*, New York: Columbia University Press.
- <http://fa.wikipedia.org>.
- <http://fa.rashtcouncil.ir>.

www.art.ac.ir
Art University Journals